

# واکاوی ویژگی‌های زبانی و محتوایی در شعر شاعران دفاع مقدس

عزت خلیقی<sup>\*۱</sup>

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی سبزوار

سیدمحمد علوی مقدم<sup>۲</sup>

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد

(تاریخ دریافت: ۹۷/۰۲/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۹/۰۱)

صفحات ۲۶-۱۳

## چکیده

شناخت زبان یک شاعر، زمینه درک دقیق‌تر شعرا و فراهم می‌سازد؛ بنابراین به موازات توجه به محتوا و جنبه‌های ادبی، ضرورت دارد تا علل گوناگونی که منجر به تأثیرگذاری در یک بافت زبانی می‌شود، شناسایی شود. در این مقاله برآنیم تا با استفاده از روش کتابخانه‌ای و به شیوه تحلیلی توصیفی به واکاوی ویژگی‌های زبان و محتوا در شعر برخی از معروف‌ترین شاعران دفاع مقدس بپردازیم. در سطح زبانی مواردی چون ترکیب‌سازی، آوردن اصطلاحات و تعابیر عرفانی، واژه‌ها و تصاویر مخصوص جنگ‌های مدرن، گسترده بودن دایره واژگان، بلند و طولانی بودن سروده‌ها و... و در سطح محتوایی مفاهیم مذهبی و عشق وافر به ائمه، روی آوردن به نهضت عاشورا، انتظار فرج، نزدیک شدن به سبک هندی، نمادگرایی، پاسداشت و توصیف شهید و شهادت، خوداتهامی، مبارزه با ستم و ستمگران، مدح رهبری و... مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که شعر دفاع مقدس از نظر زبان و محتوا ویژگی‌های خاصی دارد که در دوران قبل از آن مشاهده نمی‌شود و شاعرانی چون نصرالله مردانی، علی معلم دامغانی، مشفق کاشانی، قیصر امین پور و دیگر شاعران مورد بررسی در این پژوهش، در شعر خود به این ویژگی‌ها توجه و علاقه نشان داده‌اند.

**کلمات کلیدی:** شعر دفاع مقدس، زبان، محتوا، ترکیب‌سازی.

۱. \* نویسنده مسئول: ezzatkhalighi2017@gmail.com

۲. m.alavi@ferdowsi.um.ac.ir

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

حادثه جنگ تحمیلی یا دفاع مقدس که پس از رویداد انقلاب اسلامی به وقوع پیوست، به خاطر زمان نسبتاً طولانی و تأثیرات عمیق خود، در تمام لایه‌های زندگی مردم ایران نفوذ کرد و بدین سبب، ادبیات ایران را نیز تحت تأثیر قرار داد. این تأثیر تا جایی بود که گونه‌ای خاص از ادبیات به نام ادبیات دفاع مقدس را رقم زد (حسن‌لی، ۱۳۷۶: ۱۱۶). این نوع از ادبیات، تحت تأثیر جنگ و عوارض آن، منجر به شکل‌گیری سبک شعری خاصی شده که تحولات چشمگیری نسبت به شعر قبل از آن به خود دیده است؛ این تحولات هم در زمینه ساختار و زبان شعر خود را نشان داده و نیز از نظر محتوا و مفاهیم نیز از جنگ و تحولات هشت سال دفاع مقدس متأثر شده است. «ادبیات مقاومت در طول هشت سال دفاع مقدس، ذهنیت غالب هنرمندان متعهد را دگرگون ساخت و در این راه شکلی عینی به رفتارهای ذهنی و زبانی شاعران بخشید. این شاعران با قلم خود جلوه‌های گوناگون این حماسه بزرگ را ترسیم کردند» (یاحقی، ۱۳۷۸: ۶۶).

از میان ویژگی‌های متعددی که شعر دفاع مقدس دارد، چند ویژگی زبانی در شعر در آغاز چشمگیر بود. «نخستین ویژگی ساختن ترکیب‌های تازه بود که نصرالله مردانی در غزل و احمد عزیزی در مثنوی بیش از دیگران به این ویژگی متصف شدند. ساختن ترکیب‌های نو با ابزار جنگی، اصطلاحات نظامی و واژگان غالب جبهه، فرصتی برای خلق ظرفیت‌های تازه در شعر بود. ویژگی دیگر ساختارهای نحوی تازه بود که این حرکت، حرکتی فراهنجار محسوب می‌شد که در شعر نیمایی به وفور از این توان و ظرفیت بهره‌گیری شده بود» (باقری، ۱۳۷۳: ۸۷). این ویژگی نیز همواره موفق و در خدمت اعتلای شعر نبود. سومین ویژگی زبانی، بهره‌گیری از واژگان و ساختارهای زبان بومی و محلی است. ویژگی چهارم که از بُعد ادبی نیز قابل بررسی است، کاربرد قافیه‌ها و ردیف‌های نو و گاه کاملاً غیرمتعارف در شعر است؛ مثلاً به کاربردن «که» به عنوان ردیف یا «اما» و «و». ویژگی پنجم زبانی کاربرد «و» همراه با فتحه در سروده‌ها، به ویژه سروده‌های نسل جوان تر است. بنابراین با در نظر داشتن این فرضیه که شعر دفاع مقدس از نظر ساختار و محتوا دچار تحولات شگرفی شده است، با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای که مبتنی بر سندپژوهی بوده و از نوع تحلیلی توصیفی است، به بررسی برخی ویژگی‌های ساختاری و محتوایی در شعر دفاع مقدس با ارائه برخی شواهد مثال از شعر شاعران این عرصه پرداخته‌ایم تا مشخص شود که تحولات ایجاد شده در شعر دفاع مقدس در چه زمینه‌هایی از بسامد بالاتری برخوردار است.

## ۱-۱. پیشینه تحقیق

تاکنون برخی تحقیقات در این زمینه انجام شده است که هر کدام با نظرات و پیش‌فرض‌های خود به بررسی ساختار و محتوا در شعر دفاع مقدس پرداخته‌اند. بصیری و دیگران (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی برجستگی‌های لفظی و ساختاری شعر دفاع مقدس استان کرمان» مواردی چون تازگی‌های زبان، پیوند واژگان، نوجویی قافیه و ردیف و واژگان خاص، همچنین چگونگی شکل‌های شعری و گرایش‌های سبکی را مورد بازکاوی قرار داده‌اند. صادق‌زاده در پژوهشی با عنوان «بررسی ویژگی‌های سبکی و تحلیل محتوایی شعر سپیده کاشانی» دریافته است که غفلت‌ستیزی و دعوت به بیداری، انتظار موعود، حماسه حسینی، شهادت و شهید، ادبیات پایداری و جبهه و جنگ، آموزه‌های دینی، قسط و عدل، مدح و منقبت پیامبر و ائمه، ستایش شخصیت‌های دینی، انقلابی و ادبی، سوگ‌سروده‌ها، مفهوم زندگی و مرگ و... مهم‌ترین مؤلفه‌های شعر کاشانی از حیث محتوایی هستند. کاکایی (۱۳۷۶) در کتابی با عنوان «نگاهی به شعر معاصر ایران؛ آوازهای نسل سرخ» به

بررسی شعر ایران در دهه اول انقلاب، یعنی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ پرداخته است. او به محتوا و ساختار برخی اشعار مورد بررسی اشاره کرده و به این نتیجه رسیده که شعر دفاع مقدس نسبت به دوران قبل از آن، تحولاتی در زمینه ساختار و محتوا تجربه کرده است.

## ۲. یافته‌های پژوهش

### ۲-۱. ویژگی‌های زبانی در شعر دفاع مقدس

به‌باور حسن‌لی «زبان شعر، زبانی است که با آن چیزی گفته می‌شود اما از آن طریق، چیزی دیگر خواسته می‌شود. تفاوت اصلی زبان علم با زبان شعر همین جاست؛ در شعر، واژه‌ها با یافتن جانی تازه، توش و توانی مضاعف می‌یابند و خود را در معناها و کارکردهای مختلف می‌گسترند» (حسن‌لی، ۱۳۸۶: ۱۰۲) و از آنجا که انقلاب و جنگ، خود نیز دو پدیده تازه و بدیع بودند، تازگی زبان در آثار ادبی بسیار طبیعی به نظر می‌رسد و می‌توان برای ثابت کردن این ادعا چند نمونه برجسته را ذکر کرد:

#### ۲-۱-۱. ترکیب‌سازی

کتاب شعر/مرور ترکیب‌سازی را جریانی در غزل نوین دانسته است؛ اما در بیشتر قالب‌های شعر دفاع مقدس این ویژگی را می‌توان یافت و بهره شاعر از این ترکیب‌سازی به جریان انداختن صور خیال خود در مخلص سخن و جان کلام است و همچنین در قصاید خاقانی و سبک هندی، این شیوه به‌وفور به چشم می‌خورد. اوج این حرکت در سال‌های آغازین انقلاب، در سال‌های اولیه جنگ و رهبر آن نصرالله مردانی است.

مادر غمت مباد / قلبت بزرگ و دست دعايت بلند باد / تا دست‌های من / خورشید فتح را بنشانند به بام جنگ  
(به نقل از: حسینی، ۱۳۸۷: ۲۵۴).

شب، شحنه‌ها تندیس وحشت‌ساز بودند / خفاش‌های خوف در پرواز بودند (اسرافیلی، ۱۳۶۴: ۲۳)

از میان شاعران دفاع مقدس، علیرضا قزوه ترکیباتی با تلفیق مایه‌های عرفانی و میخانه‌ای با اصطلاحات مذهبی و اصطلاحات امروزی و کلمات تراشیده‌ای را که بوی غزل می‌دهند، دست‌مایه تصاویر خود قرار داده است؛ لذا از ویژگی‌های مهم اشعار قزوه، استفاده از تصاویر دینی، مذهبی، عرفانی به‌مدد ترکیبات استعاری و تشبیهی نو است. اما تصاویر عرفانی، خانقاهی و مذهبی با ترکیبات نو و واژه‌ها و اصطلاحات گوش‌نوازی که بوی غزل می‌دهند، در این اشعار بیشتر است. ویژگی دیگر تصاویر شعری قزوه، خلق ترکیب‌های تشبیهی و استعاری غالباً نوین، با استفاده از جلوه‌های گوناگون طبیعت اطراف است؛ چون «شعله آه سحر»، «شط آتش»، «شراب عرشی خورشیدجوشی»، «باران هوهو»، «تاروپود باران»، «شراب شب‌نشین صبح‌خیز»، «دریای یقین»، «شقایق‌سیرتان گلشن راز»، «شب مجنون»، «گل افشان خدا و خون» و... که البته بارزترین ویژگی این ترکیبات، استفاده بجای شاعر از مناظر طبیعت برای تصویر فضای حزن‌انگیز و درعین حال عارفانه ضمیر حسرت‌گزیده و غمگین خود است (قاسمی، ۱۳۸۳: ۲۶۶). قزوه در این مثنوی که در آن قالب‌های مثنوی، غزل و دویتی را به هم آمیخته است، از ترکیبات نویی استفاده می‌کند که ترکیبی از مضامین عرفانی و میخانه‌ای با کتب دینی و عرفانی بوده و در نوع خود، بدیع هستند:

همان‌هایی که دریای یقین‌اند  
همان‌هایی که ماه آسمان‌اند  
همه افکنده بر خورشید سایه  
همه مستان بزم قاب قوسین  
خوشا نام‌آوران کوی اعجاز

گهرهای صفات العاشقین‌اند  
دعاهای مفاتیح الجنان‌اند  
خدا مردان مصباح الهدایه  
همه نورالقلوب و قره‌العين  
شقایق سیرتان گلشن راز  
(قزو، ۱۳۸۹: ۲۷۲ تا ۲۷۱)

## ۲-۱-۲. آوردن اصطلاحات و تعابیر عرفانی

یکی از مضامین شعر دفاع مقدس مضامین عرفانی است. شعر دفاع مقدس پیوند عشق و عرفان و حماسه است (مردانی، ۱۳۹۶: ۱). عرفان در این گونه اشعار از اعتدالی آشکار برخوردار می‌شود. صوفی‌گری‌های یأس‌آلود، مریدتراشی‌ها، انتظارهای طاقت‌فرسای بی‌عمل در این گونه اشعار نمودی ندارد. عرفان در شعر دفاع مقدس در مبارزه با طاغوت و در میدان آتش و گلوله و خون، در سنگرها و جبهه‌های نور در برابر ظلمت رقم می‌خورد. تلفیق حماسه و عرفان را به صورت آشکار در غزل دفاع مقدس می‌توان مشاهده کرد. در شعر عارفانه دفاع مقدس، عشق با شهادت، ایثار، خون و وصال محبوب می‌آمیزد و سپس با حماسه و عاشورای حسینی همراه می‌شود. حالات و فضای روحانی جبهه، دورشدن رزمنده از تمام تعلقات دنیوی و سرانجام فانی فی‌الله شدن، به‌خوبی با اصطلاحات عرفانی نشان داده می‌شود؛ مانند غزل معروف «غریبانه» پرویز بیگی:

یاران چه غریبانه رفتند از این خانه  
بسکسته سبوهامان، خون است به دل‌هامان  
لبخند و سروری کو سر مستی و شوری کو  
هم سوخته شمع ما هم سوخته پروانه  
فریاد و فغان دارد دردی کش میخانه  
هم کوزه نگون گشته هم ریخته پیمانه  
(حبیب‌آبادی، ۱۳۸۷: ۲۰۲)

برای مثال، شاعری در ظاهر شعر عاشقانه می‌سراید؛ اما عشقی که در آن شعر مطرح می‌شود خیلی نزدیک به عشقی است که شهدای ما به خدا داشتند و می‌خواستند از زمین به آسمان پر بکشند.

من با تو به شعر ناب تبدیل شدم  
مهر تو به آسمان کشیدم از خاک  
جاری شدم و به آب تبدیل شدم  
نا آنکه به آفتاب تبدیل شدم  
(بهمی، ۱۳۸۴: ۱۲۶)

گاهی این ویژگی رنگ‌وبویی حماسی می‌گیرد و دو بُعد زمینی (حماسه) و آسمانی (عرفان) با هم تلفیق می‌شوند که غزل حماسی را به وجود می‌آورد:

... شهید زنده تاریخ عشق می‌گوید:  
بیوش جوشن آهن به تن، سوارِ فلق  
به گوش لاله خونین، نسیم عاشق گفت  
رسیده لحظه موعود و نیست گاه درنگ

به دارِ سرخِ انال‌حق دوباره باید رفت  
که در مصافِ خسان چون شراره باید رفت  
چو گل ز باغ جهان پاره‌پاره باید رفت  
به قافِ واقعه بی استخاره باید رفت  
(مردانی، ۱۳۶۴: ۲۲)

### ۳-۱-۲. واژه‌ها و تصاویر مخصوص جنگ‌های مدرن

این ویژگی‌ها و تصاویر مربوط به بمباران هوایی برخی از شهرها و مناطق کشور می‌شود و از آن روی که تا قبل از دفاع مقدس کشور، ما کمتر شاهد چنین صحنه‌هایی بوده‌ایم، این رویدادها منجر به ابداع تصاویری از این دست شده است:

خفاش‌های وحشی دشمن / حتی ز نور روزنه بیزارند / باید تمام پنجره‌ها / با پرده‌های کور بپوشانیم.  
(امین‌پور، ۱۳۶۵: ۱۷)

مثل نسیم بی خود و سرمست از سیم خاردار گذشتند (کاکایی، ۱۳۶۹: ۷).

تصویرسازی با چفیه:

زمانی ژست رؤیایی چفیه بود / رفیق اشک و تنهایی چفیه بود

چفیه یعنی دل عاشق چقدر افتاده است / زخم می‌بندد و غم سفره غم سجاده است (ابراهیمی، ۱۳۷۸: ۲۱)

تصویرسازی با مناطق جنگی:

از چشمه‌های شرجی چشمان او مپرس / کارون و کرخه داشت در اهواز می‌گریست (سنجری، ۱۳۷۸: ۲۹)

در شعر زیر، شاعر با تصویرسازی زیبا از ابزار جنگ مدرن، به توصیف حالات روحی و روانی جانباز دفاع مقدس می‌پردازد:

موشک کاغذی بلند شد / و پدرم را به اشتباه انداخت

پدرم داد زد: هواپیما... / بمب روی قرارگاه انداخت

پدر از روی صندلی افتاد / پا شد و گفت: «یا علی»... افتاد

سقف با بمب اولی افتاد / او به بالاسرش نگاه انداخت

تانک از روی صندلی رد شد / شیشه عینکم ترک برداشت

یک نفر اسلحه به دستم داد / طرفم چفیه و کلاه انداخت

خاکریز از اتاق خواب گذشت / و من و او سینه‌خیز می‌رفتیم

او به جز عکس خانوادگی اش / هر چه برداشت بین راه انداخت... (همان: ۳۳)

### ۴-۱-۲. به کارگیری واژگان جدید

یکی دیگر از خصوصیات لفظی شعر دفاع مقدس به کارگیری واژگان جدید و متعدد است. الف. اسامی خاص: شامل اسم مکان‌ها، اسم اشخاص و نام عملیات‌ها که بدین سبب اشعار دفاع مقدس گنجینه‌ای است از اطلاعات ذی‌قیمت در این موارد.

من چقدر کوچک هستم / و دریامردان حماسه بیت المقدس / چقدر بزرگ هستند... (عبدالملکیان، ۱۳۶۷: ۲۰۰)

آن کوه مرد-آتش که اسلامی نسب بود  
طبع رهایم آرزومند سپاسی است  
(مشفق کاشانی، ۱۳۷۸: ۴۱۶)

کو پیر زهرایی که مولا منتسب بود  
با نام او شعر مرا شوری حماسی است

ب. واژه‌ها و اصطلاحات انقلابی و مذهبی:

لرزه بر کاخ سپید افتاد و در بنیان سرخ  
تا که آوای فتوح ما ز بام و در گذشت  
(سبزواری، ۱۳۶۷: ۱۴۲)

ج. اصطلاحات جدید جنگ که نکته قابل توجه آن بیگانه بودن این واژگان است:

شب‌های بمباران/ با اولین آژیر/ مسلسل کوچکش را برمی‌دارد/ و چراغ‌ها را خاموش می‌کند/ با صدای هر  
راکت/ دست‌های کوچکش در گردنم گره می‌خورد... (عبدالملکیان، ۱۳۶۷: ۱۸۷).

#### ۵-۱-۲. بلند و طولانی بودن سروده‌ها

شاید روایی بودن پاره‌ای از اشعار، این دلیل را طبیعی‌تر بنماید. مانند «از بی خطی تا خط مقدم» از سلمان هراتی، «سایه‌سار نخل ولایت» و «باغبان پیر تاریخ» از سیدعلی موسوی گرم‌رودی که از پیش‌تازان شعر مذهبی است و در توصیف امام‌علی و غدیر خم سروده است.

بیداری دوباره تاریخ را/ آنک/ سرداری/ از سرزمین مغان آذرگشسب/ به بطحا تا مردانه غدیر خم  
می‌تازد.../ با پرچی از حماسه، بر دوش/ و طلایه‌ای از آفتاب امید، پیش روی/ و سپاهی از پولاد عزم در  
پس پشت (موسوی گرم‌رودی، ۱۳۷۴: ۱۸۷).

#### ۶-۱-۲. انتخاب زبان روایی و داستانی

گویا داستانی که باید به نثر گفته شود در قالب شعر ارائه می‌شود. «تهران‌قم» شعری است از ناصر فیض با این مطلع:

در مسیر کویر تهران قم / به کجا می‌روند این مردم؟ (فیض، ۱۳۸۶: ۳۱۳)

قصیده «جنگ تحمیلی» از مشفق کاشانی با عنوان «قوام یافت در ایران چو دین پیغمبر» (همان: ۳۳۲).

#### ۲-۲. ویژگی محتوایی شعر دفاع مقدس

##### ۱-۲-۲. تکیه بر مفاهیم مذهبی و عشق وافر به ائمه

این ویژگی یکی از درون‌مایه‌های اصلی شعر دفاع مقدس را تشکیل می‌دهد. درباره حضرت زینب(س)، حسین اسرافیلی غزلی با مطلع زیر سروده است:

دختر شیر خدا زاده زهرا زینب  
محرم شیر حسین آیت ظاهرا زینب  
(اسرافیلی، ۱۳۷۶: ۱۰۲)

طاهره صفارزاده حقانیت جنگ را این چنین با امام حسین گره می‌زند:

ما در محاربه هستیم، با هر که با حسین به جنگ است / و در صلحیم / با هر که با حسین به صلح است / حسین  
نام دیگر حق است (صفارزاده، ۱۳۸۴: ۳۸).

##### ۲-۲-۲. روی آوردن به نهضت عاشورا و حماسه کربلا

ورود حماسه کربلا به حیطه شعر، یقیناً یکی از عوامل ماندگاری و پایایی نهضت عاشورا است؛ چراکه حضور پررنگ شعر

در روایت ماجرا و قالب نافذ مرثیه در سوگ‌داشت ماجرا، از سویی پیونددهنده میان عواطف و دل‌های سوخته و حقیقت ماجرای ظهر عاشوراست و از سوی دیگر به‌نوبه خود باعث غنا و اعتلای اشعار و مراثی است.

ادبیات عاشورایی از غنی‌ترین و حماسی‌ترین ذخایر فکری و احساسی شیعی است و برخی از شاعران نیز تمامت شهرت خویش را مدیون همین ذخیره فکری احساسی شیعی‌اند که مشخص‌ترین ایشان محتشم کاشانی است که با تصویر کشیدن و توصیف واقعه عاشورا و سرایش ترکیب‌بند معروف «باز این چه شورش است...»، امروزه معروف‌ترین شاعر شعر عاشورایی از ابتدا تا زمان حال است. این ویژگی در شعر دفاع مقدس نمود برجسته‌ای دارد.

شمشیری که بر گلوی تو آمد / هر چیز و همه چیز را در کائنات / به دو پاره کرد / هر چه در سوی تو حسینی شد / و دیگر سو یزیدی (موسوی گرمارودی، ۱۳۶۷: ۳۱۰).

حسین اسرافیلی درباره عصر عاشورا این چنین سروده است:

عرش در اسرای دیگر بوی پیغمبر گرفت انتقام از خاندان فاتح خیبر گرفت دست یغما از حرم، انگشت و انگشت گرفت هم توان ناله را بیداد از دختر گرفت بانوان آل عصمت را، ز سر، معجر گرفت ناله‌ای پیچید و کودک، دامن مادر گرفت... (اسرافیلی، ۱۳۷۹: ۱۱۶)	آسمان آینه شد زخم تو را در برگرفت قوم مرحب، کینه دیرین خود کرد آشکار حمله ور شد قوم بی‌شرم و حیا، بر خیمه‌ها هم ز گوشش، گوشوار و هم ز چشمش، انتظار لشکر بی‌آبرو، با کینه شوم کهن دست بیدادی فرارفت و فرود آمد به خشم
---	---

محمدرضا سنگری در تحلیلی از عاشورا و شعر دفاع مقدس آورده است: «عناصر حماسه، پیام و سوگ، خلاصه‌ای از حادثه عاشوراست و در شعر دفاع مقدس که مضمون عاشورا و کربلا به فراوانی دیده می‌شود، این سه مضمون حماسه، پیام و سوگ وجود دارد. و این در حالی است که شعر عاشورایی در گذشته تنها و تنها به سوگ می‌پرداخت. به همین دلیل، در هیچ لحظه‌ای از تاریخ ادبیات ما، کربلا و عاشورا با تمام ابعاد و اضلاعش این گونه در شعر تجلی نیافته است» (سنگری، ۱۳۷۴: ۱۹).

در مواردی شاعران انقلاب اسلامی، جنگ و جبهه را عیناً تصویری دیگر از عاشورا و کربلا می‌بینند:

از دیار دور، یار آشنا می‌خواندم ز آنکه آن جانانه بی‌چون و چرا می‌خواندم در طریق عاشقی روح خدا می‌خواندم جاودان تاریخ‌ساز کربلا می‌خواندم می‌روم آنجا که نای نینوا می‌خواندم (حسینی، ۱۳۶۷: ۹۱)	می‌روم مادر که اینک کربلا می‌خواندم مهلت چون و چرایی نیست مادر، الوداع بانگ هل من ناصر از کوی جماران می‌رسد می‌روم آنجا که مشتاقانه با حلقوم خون ذوالجناح رزم را گاه سحر زین می‌کنم
--	---

### ۳-۲-۲. انتظار فرج و موعود

قیصر امین‌پور غزلی دارد به نام «آفتاب پنهانی» با محوریت انتظار موعود:

طلوع می‌کند آن آفتاب پنهانی	ز سمت مشرق جغرافیای عرفانی (امین‌پور، ۱۳۷۲: ۱۳۷)
-----------------------------	---

به باور غلامرضا کافی «بی شک، شاعری که بر ستم فریاد می زند و از مظلوم حمایت می کند، ظهور یک منجی بزرگ را نیز چشم‌په‌راه است تا به غائله ستم و سلطه پایان دهد. اعتقاد تشیع به حضور حضرت حجت و باور امدادرساندن از سوی ایشان، سببی است تا در مشقت جنگ، گمان بر لطف و عنایت و حتی حضور این منجی بزرگ باشد. شاعران جنگ به خوبی «صدای شیئه رخس ظهور را» می شنوند و شهیدان را لاله‌هایی می دانند که در مقدم آن بهار رسته‌اند. نکته قابل توجه، نگاه مشتاقانه و عاطفه‌مند به موعود است» (کافی، ۱۳۸۷: ۱۶۷).

چشمه‌های سرشک خشکیده است	بس که معراج خاکیان دیده است
برگ سبزی بهار گلگون است	دل‌مان را مگو مگو خون است
دشت‌ها را حکایت از لاله است	چشم‌ها را طراوت از ژاله است
به شکوه جوانه‌ها سوگند	به تب سبزی دانه‌ها سوگند
عاقبت آن سوار می‌آید	بی‌قراران! قرار می‌آید

(حبیب‌آبادی، ۱۳۶۷: ۷۱)

#### ۴-۲-۲. نزدیک شدن به سبک هندی

وجود برخی ویژگی‌ها چون تازگی زبان، حس آمیزی، ترکیب‌های پارادوکسی و پیچیدگی خیال که در بیشتر اشعار این دوره به‌وفور دیده می‌شود، باعث شده که این اشعار شباهت زیادی با سبک هندی داشته باشند.

پارادوکس، مانند شعر قیصر امین‌پور:

کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق / بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی (امین‌پور، ۱۳۷۲: ۸۸)

حس آمیزی، مانند شعر سلمان هراتی:

«هر شب از چشم‌هایت می‌شنوم / نفس پاک صبح فردا را» (هراتی، ۱۳۶۴: ۱۴۱).

#### ۵-۲-۲. نمادگرایی

در شعر دفاع مقدس از نمادهای گوناگون می‌توان نام برد: آینه، شب، گل، هایل، قایل، پاک‌کن، دفتر، خزان و ... قایلیان نماد ستمگران و هایلان نماد ستم‌دیدگان، شب نماد روزگار ستم و آینه نماد پاکی در شعر علی معلم:

قایلیان بر قامت شب می‌تیندند	هایلیان بوی قیامت می‌شنیدند
مردی صفای صحبت آینه دیده	از روزن شب شوکت دیرینه دیده

(معلم دامغانی، ۱۳۹۱: ۳۵)

در سروده‌ای که در ادامه این مبحث می‌آید، همدستی نمادهای دینی، عرفانی، تاریخی و ادبی، شعر را به شیوه‌ای نمادین با زنجیره‌ای از تداعی‌های معهود از سطح شعار صرف بالاتر برد و سروده‌ها به وجود آورد که موجب فخامت کلام شده است:

باری / تو را به کدامین دیار عشق / سوی مذبذغ اخلاص می‌برند / که دارهای بلند نجابت / از عطر حلاج و میثم آکنده است / تو عطر عاطفه دار را / آن سان به استغاثه نشستی / که استخاره به نام بلند و نامی تو / قرعه شهادت زد / تو از صحابه میلاد باستانی عشقی / و منا را به استجاب امر / آن چنان نجیبانه رهسپار شدی / که



هاجر از دل شفاف آن سوی زمزم / نگاه خود برداشت / از گلوی اسماعیل / نامت سر ستیغ عشق / بر کدامین  
رفیع / خیمه زده است / که ققنوس / در سایه سارت آسوده است؟ / و خون عاشق تو / در کدام عاشورا / در  
آرزوی کدامین وصال / این چنین به سجده نشست / که بر صلاهی «هل من» مولا / حریر پاسخ تو / عاشقانه  
پیچیده است (جعفریان، ۱۳۶۸: ۵۷).

عبدالرضا رضایی نیا در شعر سپید «فرشته بفرستید»، ضمن توصیف جبهه‌های جنگ، سعی بر استخدام تفکر عرفانی وصال به  
محبوب و بسط رمزگرایی اندیشه شهادت‌طلبی داشته است:

محاصره‌ایم فرشته بفرستید / خاکریزها / عاشقانه / به سجده می‌روند / و شتک خون بر رؤیا / از پلک  
درمی‌گذرد / و انفجار موج / در اضطراب نفس / از قلب / حرامیان به هدف نمی‌زنند / ابلهان راه گشوده‌اند /  
التماس بی‌سیم‌ها و / بالابندان آسمان / چرا فرشته‌ها نمی‌رسند / کولاک / بر بارش بهت / نوعروسان  
ایستاده‌اند / با تردید لبخندی پریده‌رنگ / در آستانه شب‌نم (رضایی نیا، ۱۳۷۴: ۱۷۲).

رضایی نیا در این شعر با بهره‌گیری از کهن‌الگوی فرشته، در ابتدای شعر و بسط شاعرانه تفکر پیدایش انسان که در روایت  
قرآنی آن با سجده آدم بر پروردگار جهانیان گره خورده، می‌خواهد اخلاص عاشقانه رزمندگان را با کلامی نمادین به‌طور  
تلویحی به تصویر بکشد. این بار خاکریزها به سجده می‌روند و خاکریزها خود نماد آدم‌اند؛ انسان متواضع و نجیبی که در  
بارگاه محبوب به خاک می‌افتد. خاک در تفکر عرفانی جایگاهی والا دارد و در اندیشه قدما، همراه با باد و آتش و آب،  
عناصر چهارگانه هستی‌اند. سیال بودن و شکل‌پذیری آب نیز می‌تواند رمزهای پیدا و پنهانی از حرکت و انعطاف باشد.

#### ۲-۲-۶. ازدحام آرایه ادبی در پاره‌ای از اشعار

هر چند که از آینه بی‌رنگ‌تر است / از خاطر غنچه‌ها دل‌م تنگ‌تر است  
بشکن دل بینوای ما را ای عشق / این ساز، شکسته‌اش خوش‌آهنگ‌تر است  
(حسینی، ۱۳۶۷: ۱۱۷)

آینه نماد پاکی؛ خاطر غنچه، تشخیص است. «بشکن دل بینوای ما را ای عشق» تشخیص دارد؛ دل به آینه تشبیه شده، ساز  
استعاره است، شکسته ایهام تناسب دارد؛ هم به معنای خردشده، هم گونه‌ای است در موسیقی. مصرع دوم بیت دوم حسن  
تعلیل دارد؛ اشاره به «أنا فی قلوب منکسره» داشته است (خدا در دل‌های شکسته جای دارد). واج‌آرایی با حرف «ش» بیت  
را زیباتر کرده است. در بیت:

قایلین بر قامت شب می‌تیندند / هایلیان بوی قیامت می‌شنیدند  
(معلم دامغانی، ۱۳۹۱: ۳۵)

قامت شب تشخیص است. بوی قیامت حس آمیزی دارد. هایلی و قایلین جناس ناقص اختلافی است. واج‌آرایی با حرف «ق»  
به وجه موسیقایی شعر افزوده است. «بر قامت شب تیندند» کنایه از این است که بر ستم خود می‌افزودند. «بوی قیامت  
شنیدند» کنایه از اینکه آن‌ها به فکر انقلاب بودند.

#### ۲-۲-۷. پاسداشت و توصیف شهید و شهادت

برترین تصاویر و شکوهمندترین حضور صور خیال را می‌توان در همین توصیفات یافت.

دوباره دلم فال غم می‌زند      کنار شهیدان قدم می‌زند  
(یزدان پناه، ۱۳۸۲: ۱۳۲۴)

پرویز بیگی حبیب آبادی غزلی دارد که تماماً در تکریم و توصیف شهیدان است:

شهیدان غزل واژه‌های دل‌اند      که شمع فروزان هر محمل‌اند  
زبان شهیدان زبان دل است      زبانی که گفتن از آن مشکل است...  
به مستی سر از پای نشناختند      که در عرصه عشق سر باختند  
(حبیب آبادی، ۱۳۸۷: ۱۱۵)

عبدالجبار کاکایی در مجموعه حق با صدای توست مثنوی ای دارد با نام «چراغ شهادت» که به علی بسطامی، سردار لشکر امیرالمؤمنین، تقدیم کرده است. در بیت پایانی آن آورده است:

پشت آینه‌های تبسم در شب شرم و تشویش گم شد      زیر نور چراغ شهادت سابه‌ای بوده در خویش گم شد  
(عبدالجبار کاکایی، ۱۳۸۷: ۲۰۲)

#### ۲-۲-۸. خوداتهامی

نالدین شاعر از خود و بی‌دردی‌های دیگران را خوداتهامی گویند که از ویژگی‌های معنوی شعر دفاع مقدس است. در همین راستا، سلمان هراتی چنین سروده است:

وقتی جنوب را/ بمباران می‌کردند/ تو در ویلای شمالی‌ات/ برای حل کدام جدول بفرنج/ از پنجره به دریا/ نگاه می‌کردی (سلمان هراتی، ۱۳۸۱: ۲۵۷).

ای دل بیچاره آب از سر گذشت      خاک بر سر کن تو با این سرگذشت  
درد بی‌دردی که دامانت گرفت      کار تو از دست درمان درگذشت  
نور نوشیدن ز جام لاله‌ها      می‌توانستی ولی دیگر گذشت  
(حسن لی، ۱۳۸۶: ۲۵۸)

#### ۲-۲-۹. مبارزه با ستم و ستمگران

زیتون و جنگ (مجموعه شعر فلسطین، به کوشش مرتضی صداقتگو کیاسری، حوزه هنری تهران) که ۵۲ شعر از ۳۷ شاعر جنگ را در خود جای داده است، به‌طور آشکارا و روشن، توجه شاعران را به این موضوع نشان می‌دهد:

اینک آن سوی زمین/ فلسطین است و/ این سوی زمین/ هوپزه و بستان و خرمشهر قهرمان ما/ انگار در این  
جغرافیای کوچک/ برادری واژه‌ای است/ که تنها باید با خون نوشت و/ بی‌هراس مرگ/ از میانه آتش و  
خون گذشت/ بر آوازه‌های روستایی من/ فلسطین جای دیگر دارد... (صداقتگو کیاسری، ۱۳۷۲: ۳۶).

و نیز کاشانی چنین سروده است:

نگر تبار مرا کشند      ددان به جرم مسلمانانی  
چه رفت بر سر من ای دوست      از آنچه رفت تو می‌دانی  
(کاشانی، ۱۳۸۶: ۱۷)

### ۱۰-۲-۲. مدح امام امت

تأثیر شخصیت حماسی و عرفانی امام بر تقویت روحیه جهادگران دلاور و کفرستیز و مدافعان عرصه بیکار را نباید فراموش کرد. شاعران امام را که رهبری شجاع و عارفی وارسته بود و بر قلب‌ها حکومت می‌کرد، محور وحدت معرفی و رزمندگان را برای مصون ماندن از فتنه‌های دشمنان متوجه این مهم می‌کنند:

آفرین بر عرصه تازانی که با عزمی جوان / روی دل بر جانب «پیر جماران» می‌کنند (حسینی، ۱۳۶۳: ۳۸)

بر شما فتنه خناس ندارد اثری / تا بود آیت حق «روح خدا» رهبرتان (همان: ۳۷۸)

مشفق کاشانی قصیده بلند «ای روح خدا» را در ستایش از امام خمینی و سر به فرمان بودن او سروده است:

ای آیت حق، شمس هدا قبله دل‌بند / خشنودی حق، خاطر گیتی به تو خرسند

(مشفق کاشانی، ۱۳۸۶: ۳۴۸)

### ۳. نتیجه‌گیری

پیشینه و پشتوانه بیش از هزارساله شعر فارسی، سرمایه عظیمی برای شاعران عصر انقلاب و دفاع مقدس بود و هست؛ پشتوانه‌ای که دیگر انواع و گونه‌های ادبی از آن بی‌بهره یا کم‌بهره‌اند. همین است که شعر رسانه و تکیه‌گاه اصلی طرح اندیشه‌ها و آرمان‌ها و عواطف این دوره است. حماسه شکوهمند هشت سال دفاع مقدس و صبوری و شکیبایی شگفت جامعه‌ای که لحظه‌های آتش و خون را در آزمونی بزرگ گذراند، در قلمرو شعر شاعران و سرایندگان تجلی و نمودی ارجمند و شایسته یافته است. شعر در این نقطه نه تنها ترسیم رشادت‌ها، شهادت‌ها، ایثارها، مقاومت، عرفان و ایمان جبهه، که جلوه‌گاه مظلومیت و عظمت امتی است که در ازدحام خوف و خطر تمام توان و هستی خویش را به میدان آورده است. این عظمت‌ها آن‌چنان چشمگیر و بزرگ است که حتی شاعرانی که پیوستگان به قلمروهای دیگر فکری هستند، نتوانسته‌اند ساده و بی‌اعتنا از کنار آن بگذرند.

شعر دفاع مقدس در مسیر تکامل خویش در دو مقطع، دوران هشت‌ساله و پیش از آن، کم‌کم هویت و شناسنامه‌ای مستقل می‌یابد که با اندک تأمل، آن را از دیگر سروده‌ها می‌توان باز شناخت. بررسی شاخصه‌ها و ویژگی‌های زبانی و محتوایی این اشعار موضوع پژوهش حاضر بوده است. بررسی شعر برخی از شاعران این دوره چون سلمان هراتی، عبدالجبار کاکائی، قیصر امین پور، محمدرضا سنگری، حسین اسرافیلی، غلامرضا کافی، سپیده کاشانی، حسن حسینی، پرویز بیگی حبیب‌آبادی، مشفق کاشانی، طاهره صفارزاده و ناصر فیض نشان می‌دهد که ویژگی‌های موجود در اشعار شاعران دفاع مقدس را می‌توان به دو بخش تقسیم نمود: ویژگی‌ها و معیارهای زبانی و ویژگی‌های محتوایی. ویژگی‌هایی که در سطح زبان در شعر شاعران مورد بررسی دیده می‌شود، عبارت‌اند از ترکیب‌سازی، آوردن اصطلاحات و تعابیر عرفانی، واژه‌ها و تصاویر مخصوص جنگ‌های مدرن، گسترده بودن دایره واژگان، بلند و طولانی بودن سروده‌ها و انتخاب زبان روایی و داستانی. در سطح مضامین و مفاهیم نیز شعر دفاع مقدس تغییری بنیادین را تجربه کرد و مضامین جدیدی همچون مفاهیم مذهبی و عشق وافر به ائمه، روی آوردن به نهضت عاشورا و حماسه کربلا، انتظار فرج و موعود، نزدیک شدن به سبک‌های هندی، نمادگرایی، ازدحام آرایه ادبی در پاره‌ای از اشعار، پاسداشت و توصیف شهید و شهادت، خوداتهامی، مبارزه با

ستم و ستمگران، مدح امام امت و شهادت وارد شعر شد. در کل می توان گفت شعر دفاع مقدس از نظر زبان و محتوا ویژگی های خاصی دارد که در دوران قبل از آن مشاهده نمی شود و این ویژگی ها و مؤلفه ها، تحت تأثیر دفاع مقدس بر شعر معاصر ایران عارض شده اند.

### فهرست منابع

۱. ابراهیمی، ح. (۱۳۷۸). میاندار. مشهد: کنگره بزرگداشت سرداران خراسان.
۲. اسرافیلی، ح. (۱۳۷۶). رد پای صدا. تهران: تکا.
۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷). تولد در میدان. تهران: سوره مهر.
۴. اکبری، م. (۱۳۷۱). نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۵. امین پور، ق. (۱۳۷۲). آینه های ناگهان. تهران: سراینده.
۶. باقری، س. (۱۳۷۳). شعر امروز. تهران: الهدی.
۷. بصیری، م. ص. و دیگران (۱۳۹۴). بررسی برجستگی های لفظی و ساختاری شعر دفاع مقدس استان کرمان. ادبیات پایداری، ۷(۱۳): ۱-۲۴.
۸. بهمنی، م. (۱۳۸۴). این خانه واژه های نسوزی دارد. تهران: آفرینش.
۹. بیگی حبیب آبادی، پ. (۱۳۸۲). حماسه های همیشه. تهران: فرهنگ گستر.
۱۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷). فصل سوم. تهران: تکا.
۱۱. جعفریان، م. ح. (۱۳۶۸). پنجره های رو به دریا. تهران: حوزه هنری.
۱۲. حسن لی، ک. (۱۳۸۶). گونه های نوآوری در شعر معاصر ایران. تهران: ثالث.
۱۳. حسینی، س. ح. (۱۳۸۷). شاعری در مشعر. تهران: تکا.
۱۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷). گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس. تهران: سوره مهر.
۱۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۳). هم صدا با حلق اسماعیل، تهران: حوزه هنری.

۱۶. سنجرى، م. (۱۳۷۸). مجموعه شعر (گزیده ادبیات معاصر). تهران: نیستان.
۱۷. سنگری، م.ر. (۱۳۸۶). مروری گذرا بر دو دهه شعر انقلاب. سروش، ۲۰ (۹۲۴): ۱۹-۳۸.
۱۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۴). تحلیلی از عاشورا و شعر دفاع مقدس. نشریه/اهل قلم، ۳. ۱۷-۳۶.
۱۹. صادق‌زاده، م. (۱۳۹۰). بررسی ویژگی‌های سبکی و تحلیل محتوایی شعر سپیده کاشانی، ۲۲. نشریه مطالعات نقد ادبی. ۴۳-۶۸
۲۰. صداقتگو کیاسری، م. (۱۳۷۲). زیتون و جنگ (مجموعه شعر فلسطین). تهران: حوزه هنری.
۲۱. رضایی‌نیا، ع.ر. (۱۳۷۴). از حنجره‌های شرقی. تهران: حوزه هنری.
۲۲. صفارزاده، ط. (۱۳۸۴). دیدار صبح. تهران: پارس کتاب.
۲۳. فیض، ن. (۱۳۸۷). گناه اول. تهران: نکا.
۲۴. قزوه‌ع.ر. (۱۳۸۹). سوره انگور. تهران: نکتا (توسعه کتاب ایران).
۲۵. کاشانی، س. (۱۳۶۰). شعر سرخ. نشریه ادبستان، ۲۰ (۴۱): ۷-۱۴.
۲۶. کاشانی، م. (۱۳۸۶). کهکشان آبی. تهران: نکا.
۲۷. کاشانی، م. و محمود شاهرخی (۱۳۶۷) مجموعه شعر جنگ. تهران: امیر کبیر.
۲۸. کافی، غ.ر. (۱۳۷۸). تیغ و ترانه. شیراز: کنگره سرداران شهید فارس.
۲۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۱). دستی بر آتش. شیراز: نوید شیراز.
۳۰. کاکائی، ع.ج. (۱۳۶۹). مرثیه روح. تهران: حوزه هنری.
۳۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۶). آوازهای نسل سرخ. تهران: عروج.
۳۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷). حق با صدای توست. تهران: نکا.
۳۳. مردانی، ن. (۱۳۶۴). خون‌نامه خاک. تهران: کیهان.

۳۴. مردانی، م. (۱۳۹۶). پیوند حماسه و عرفان در شعر دفاع مقدس (دهه هفتاد). نخستین همایش ادبیات مقاومت با محوریت شهدای دانشجو، استان خراسان شمالی.

۳۵. معلم دامغانی، م.ع. (۱۳۹۱). رجعت سرخ ستاره. تهران: سوره مهر.

۳۶. میرجعفری، س.ا. (۱۳۶۷). حرفی از جنس زمان. تهران: قو.

۳۷. هراتی، س. (۱۳۶۴). از آسمان سبز. تهران: حوزه هنری.

۳۸. هراتی، س. (۱۳۸۷). آب در سماور کهنه. تهران: تکا.

۳۹. یاحقی، م.ج. (۱۳۷۸). جویبار لحظه‌ها. تهران: جامی.